

بسمه تعالی

مصاحبه روزنامه ماینیچی ژاپن با آیت الله العظمی منتظری به مناسبت سی سالگرد انقلاب اسلامی

در تاریخ ۲۶/۷/۱۳۸۷



حضرت آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته

با آرزوی قبولی طاعات و عبادات حضرتعالی و آرزوی سلامتی و طول عمر، و ابراز تشکر و قدردانی از پذیرش سوالات این روزنامه .

با توجه به این که انقلاب اسلامی ایران به زودی سی سالگی خود را جشن خواهد گرفت ، روزنامه ماینیچی ژاپن قصد دارد به مناسبت سی سالگی انقلاب اسلامی ایران مجموعه مصاحبه هایی را با شخصیت های طراز اول کشور به انجام برساند. با توجه به نقش و جایگاه حضرتعالی در به ثمر رسیدن انقلاب و رویدادهای بعد از آن ، اگر اجازه بفرمایید گزارش اول در این زمینه را با مصاحبه حضرتعالی در روزنامه درج کنیم .

با تشکر فراوان .
خبرنگار روزنامه ماینیچی
کاسوگا تاکایوکی

سوال ۱ - حضرتعالی در کتاب خاطرات خود ذکر کردید که :

"من همیشه زندان بانها و مسنولین زندان را از برخورد غیر اسلامی با زندانیان برحذر می‌داشت . ، من به زندان ها نماینده می‌فرستادم که زندان ها را بازرسی کنند که اخلاق اسلامی در آنها رعایت شود و به زندانیان ظلم نشود و حقوق آن ها پایمال نگردد، درست است که يك کسی زندانی ما شده ولی نباید به او ظلم بشود هرچند - به قول آقایان - از منافقین باشد. آقایان انصاری نجف آبادی و محمدی یزدی مدت ها نماینده من در زندان ها بودند و به شکایات زندانیان رسیدگی می‌کردند؛ خلاصه من با تندروی ها مخالف بودم ، نسبت به هر کسی که می‌خواست باشد؛ حتی تعبیر به "منافق " هم صحیح نیست " . (خاطرات ، ص ۶۲۰).

اما برخی بر این باورند که سخت گیری و حذف نیروهای ضد انقلاب از قبیل مجاهدین خلق باعث استحکام پایه های انقلاب اسلامی تا به حال در ایران شده است . البته این دیدگاه به معنای قبول استفاده از "قهر مذهبی در صورت لزوم " است . حضرتعالی در این باره چه نظری دارید؟

بسمه تعالی

با سلام و تحیت و اعتذار از تأخیر جواب

جواب ۱ - همان گونه که در مطالب مورد ذکر شما از خاطرات این جانب آمده است ، آنچه که مورد عنایت و حساسیت بنده در گذشته و حال بوده است این است که تمامی افراد کشور اعم از مخالف یا موافق ، حقوقی انسانی دارا هستند که باید آن حقوق رعایت شود. این حساسیت هنگامی بیشتر شد که من مشاهده می‌کردم افرادی بازداشت شده اند و به دلیل این که مخالف حکومت هستند به بدترین وجه در زندانها با آنها برخورد می‌شود. گاهی احکام صادره همخوانی با جرم ندارد. در زندان هم که در حال سپری کردن محکومیت خویش اند حقوق انسانی آنها رعایت نمی‌شود. بدتر از همه پس از عملیات مرصاد برخی از آنها که قبلا به چند سال زندان محکوم شده بودند فقط به دلیل این که مثلا سر موضع اند اعدام شدند. این جانب مخالف این نبوده و نیستم که اگر کسی جرمی مرتکب شده است توسط دادگاه صالحه با طی مراحل دادرسی اعم از صدور کیفرخواست ، اخذ وکیل ، فرجام خواهی و... حکمش صادر و اجرا شود؛ ولی معتقد بودم اولاً با قوه قهریه نمی‌توان با تفکر و اندیشه برخورد کرد، و ثانیاً اگر حکمی هم صادر شده است چرا محکوم علیه حق دفاع یا اخذ وکیل یا فرجام خواهی نداشته باشد؟! چرا با او چون یک انسان برخورد نشود؟! در یک کلام بنده از تندروری ها و حق کشی ها انتقاد می‌کردم .

البته باید به این نکته هم اشاره کنم که مخالفان در برهه ای از زمان تندروری هایی کردند. آنها دست به سلاح بردند و باعث شدند با خشونتشان سخت گیری بر نظام و انقلاب تحمیل شود و برخی با ذکر موارد ترور و آدم کشی های آنان سوژه به دست آورده از آن روز تاکنون بر مخالفان بتازند. در اینجا تندروری از هر دو سوی میدان باعث شد که سنت و روش بدی بر نهادهای امنیتی و قضایی کشور با هدف استحکام پایه های نظام تحمیل شود که ما هنوز گرفتار آن هستیم .

سوال ۲ - علی رغم این که حضرتعالی فرزند گرامی تان را در حمله تروریستی مجاهدین خلق از دست دادید، به برخورد همراه با عفو اسلامی تکیه داشتید و آن را به امام نیز پیشنهاد کرده اید. به عنوان پدر کسی که فرزندش را در حملات تروریستی مجاهدین خلق از دست داده است ، آیا نسبت به این گروه احساس نفرت داشتید؟

جواب ۲ - مخالفت های فکری این جانب پس از آن که سازمان مجاهدین خلق دچار تغییر ایدئولوژیک شد در سالهای قبل از انقلاب بر کسی پوشیده نیست . آن زمان بنده به همراه برخی چون آیت الله طالقانی در زندان ، با آنها حشر و نشر داشتیم و چون آنها به تغییر ایدئولوژی و مذهب مارکسیسم گرایش یافتند با آنها از نظر فکری و عملی به مخالفت پرداختیم . از همان زمان با سران و افکار آنها آشنا شدم و به غرور کاذب آنها پی بردم و بر همین اساس آنها پس از انقلاب خود را تافته جدا بافته از ملت حساب کردند. پس از آن این گروه را هیچ گاه پذیرا نبودم ، در حالی که آنها با اسم و رسم و آرم خود با آیت الله خمینی دیدار و گفتگو می‌کردند. البته شاید ایشان هم می‌خواستند با آنها تمام حجت نمایند. آقایان سازمان مجاهدین سهم زیادی می‌خواستند که با خوی انحصارطلبی دیگر انقلابیون سازگار نبود. آنها به اعمال و فعالیت های خشن روی آوردند و نه تنها فرزند من که بسیاری از بزرگان ملت و افراد نخبه حوزوی و دانشگاهی و مردم عادی را ترور کردند و از این مسیر خسارات بسیاری بر کشور تحمیل شد. همان روزی که در ۷ تیر ۱۳۶۰ فرزندم محمد شهید شد، پیام دادم و علاوه بر آن که غصه از دست رفتن فرزندم را بخورم - که سالها مبارزه کرد، شکنجه و زندانی شد و آوارگی کشید - بیشترین ناراحتی من از این جهت بود که بچه های پاک و نورسته این کشور گول شعارهای پوچ سران این سازمان را بخورند که این وضعیت سنگین تر از شهادت فرزندم بود.

سوال ۳ - حضرتعالی قبل از رحلت امام خمینی ، طی دو نامه ای که در مورخه ۹/۵/۱۳۶۷ و ۱۳/۵/۱۳۶۷ به ایشان نوشته اید، نسبت به نقض حقوق بشر در زندان ها نارضایتی عمیق خود را نشان دادید. آیا آیت الله خمینی در آن زمان از این نقض حقوق بشر یا دادگاه های ناعادلانه خبر نداشتند؟ یا این که آگاهی داشتند و اقدامی انجام ندادند؟

سوال ۴ - حضرتعالی در خاطرات خود با اشاره به "اطرافیان " امام ، به این مسأله اشاره کردید که در سال های پایانی عمر امام "بسیاری از مواقع از نام امام سوء استفاده می‌شد"(همان ، ص ۶۶۳). این برداشت وجود دارد که این اشخاص احمد آقا خمینی و یا آیت الله هاشمی رفسنجانی بوده اند. در آن زمان چه کسی قدرت سیاسی را بر عهده داشت ؟

جواب ۳ و ۴ - بعید می‌دانستم ایشان از وضعیت نابسامان زندان ها اطلاع داشته باشند. برخی ها که حتی خود ایشان روی آنها نظر داشتند هم نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند گزارش ها را به ایشان بدهند یا اطرافیان ایشان اخبار و گزارش ها را به واسطه رعایت حال ایشان ، سعی می‌کردند به ایشان داده نشود. روزی من به آیت الله خمینی عرض کردم آقا! کسی هست در زندان که انقلاب و شما را قبول ندارد اما می‌خواهد دنبال کار خودش برود، فعالیت می‌کند، آیا ما حق داریم او را در زندان نگه داریم ؟ ایشان گفتند: نه ! مگر من اصول دین هستم که اگر کسی مرا قبول

نداشت باید در زندان نگه داشته شود. نظر ایشان این گونه بود. برخی ها هم مطالبی را با اسم و رسم ایشان بیان می‌کردند یا عملی به نام ایشان انجام می‌گرفت که در نتیجه موجب ضرر و خسران به اسلام، انقلاب و شخص آیت الله خمینی شد.

سوال ۵ - حضرتعالی در مصاحبه قبلی با این روزنامه به تاریخ ۰۲/۲۰۰۷ فرمودید: "انقلاب به خاطر آزادی همه ملت بود، نه آزادی حکومت ها تا دهن مخالفان خود را ببندند." الان با گذشت سی سال از وقوع انقلاب اسلامی ایران، این انقلاب را چطور می‌بینید؟

جواب ۵ - شعاری را آیت الله خمینی مطرح کردند ما هم به تبع ایشان و مردم هم با همان شعارها وسط میدان آمدند و انقلاب به پیروزی رسید، شعار "استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی" بود. استقلال تا حدی حاصل شده است اما درباره آزادی و جمهوری اسلامی هنوز که هنوز است راه باقی است. درباره آزادی باید گفت علی رغم شعارهای فعلی مسئولان که به عنوان نمونه در آمریکا گفته اند ایران آزادترین کشور دنیاست، چنین مطلبی صحت ندارد و آزادی های مشروع و مصرح در قانون اساسی به راحتی با مصونیتی که آقایان در برابر قانون و شرع! برای خود می‌پندارند پایمال می‌شود. هنوز خیلی از احزاب آزادی ندارند، برخی گروه های سیاسی چون مخالف سلیقه حاکمان اند غیرقانونی شمرده شده اند. رسانه هایی که شناگوی حاکمان اند آزادند که هرچه می‌خواهند یا دستور گرفته اند بنویسند ولی رسانه های مستقل از حاکمیت مشکلاتی را از ناحیه مقام ها و نهادهای امنیتی و قضایی متحمل می‌شوند. برخی افراد در کشور ممنوع تصویر هستند.

مسئولین ما در سخنرانی ها از وجود ظلم و بی عدالتی در جهان سخن می‌گویند؛ آیا در ایران ما ظلم و بی عدالتی و تجاوز به حقوق دیگران وجود ندارد؟! این جانب در خطبه نماز عید فطر گفتم: چرا ده سال است حسینی را که از پول شخصی ساخته شده است و محل تدریس فقه و اخلاق اسلامی و اقامه مجالس مذهبی بود بسته و پلمب کرده اند؟ و دیدیم که چه عکس العملی نشان دادند. حجة الاسلام آقای مجتبی لطفی یکی از اعضاء دفتر را بازداشت و منزل او و منزل داماد این جانب را مورد بازرسی قرار دادند و اشیاء زیادی را با خود بردند. چرا دفتر من در مشهد و اصفهان را اشغال کرده اند؟

درباره جمهوریت هم باید گفت: با دخالت های ناروای ارگان هایی انتصابی چون شورای نگهبان یا برخی نهادهای نظامی، عملاً انتخابات به انتصابات تغییر پیدا کرده است. افراد لایق و انقلابی و کارآمد برای جامعه و مردم را به بهانه های واهی بی دین و ضد نظام قلمداد می‌کنند، تنها به این دلیل که به آقایان انتقاد دارند. و عملاً در این مسیر آنها را رد صلاحیت می‌کنند، و کسانی که باب میل خودشان است از صندوق ها بیرون می‌آیند و آنها خود را به غلط نماینده مردم می‌دانند! و مشخص است که آنها می‌شوند وکیل الدولة نه وکیل الملة!

آقایان فقط ولایت مطلقه فقیه را مورد توجه قرار می‌دهند و دیگر اصول قانون اساسی را زیر پا می‌گذارند. ولایت مطلقه که آقایان آن را فوق قانون می‌دانند منجر به حکومت فردی و دیکتاتوری می‌شود، حال آن که فقیه بما انه فقیه باید نظارت داشته باشد تا در قوای سه گانه کاری بر خلاف موازین اسلام انجام نشود نه این که در تمام جزئیات کشور حق دخالت داشته باشد و مردم و آنها که با رأی واقعی مردم سر کار آمده اند هیچ قدرتی نداشته باشند. از نکات مهم دیگر مسأله معیشت و اقتصاد مردم است. علی رغم شعارهایی که تا به حال داده شده است روز به روز مردم گرفتارتر شده اند.

سوال ۶ - از مضمون دو نامه منسوب به امام خمینی که برای حضرتعالی فرستاده اند و حضرتعالی را از کار سیاسی برحذر داشته اند، این طور برداشت می‌شود که حضرتعالی با مجاهدین خلق ارتباط داشته اید. حمایت های شما از زندانیان بعد از انقلاب نیز به این برداشت دامن زده است. از نظر حضرتعالی انقلاب باید خدمتگزار اسلام و مردم باشد و عطف اسلامی را مدنظر قرار دهد. احساس می‌شود که مخالفان حضرتعالی از نظریات حضرتعالی علیه حضرتعالی سوء استفاده کرده اند که تأسف بار است.

جواب ۶ - این جانب مسئولیت های دنیوی را اعتباری دانسته و به آنها هیچ علاقه ای ندارم؛ بر همین اساس هنگامی که خبرگان ملت، رأی و نظر مردم را به عنوان يك مصوبه مورد قبول و تأکید قرار دادند و من را به عنوان رهبری آینده معرفی کردند، نامه ای به رئیس خبرگان نوشته و مخالفت خود را اعلام کردم. مدتی هم که مسئولیت داشتم سعی می‌کردم شناگو نباشم. صرف این که قائم مقام رهبر شدم از فریضه امریه معروف و نهی از منکر غافل نباشم. و در مقابل خطاها سکوت نمی‌کردم. اگر آیت الله خمینی نظرشان بر این بود که من در کنار باشم خوب بود دوستانه يك بار به من می‌گفتند: شما دیگر صلاح نیست مسئولیت سیاسی داشته باشید. راهش این بود، نه این که با وارد کردن اتهاماتی چون حمایت از مجاهدین و بدون این که از این جانب توضیحی بخواهند تا بتوانم از خودم دفاع نمایم برخورد شود و بگویند شما دیگر در امور سیاسی و سیاست دخالت نکنید. مگر از سال ۴۲ و حتی قبل از آن که وارد مبارزه شدم با رأی و نظر کسی آمدم که حال بخواهم از سیاست کنار بکشم؟! مگر ما نمی‌گوییم سیاست ما عین دیانت ماست؟! مگر آیت الله خمینی خودشان - در کتاب تحریر الوسیله، باب نماز جمعه - نمی‌گویند: کسی که می‌گوید

"دین از سیاست جداست نه دین را فهمیده و نه سیاست را؟!!" پس چرا نظر می‌دهند که چه کسی در سیاست دخالت کند یا نکند؟

سوال ۷ - آقای خاتمی ، رئیس جمهور سابق ایران نسبت به مجاهدین خلق سیاست منعطف در پیش گرفتند و توبه بسیاری از آنها را پذیرفته و اجازه برگشت به وطن را دادند. برخی بر این عقیده اند که سیاست های آقای خاتمی زمانی بود که سیاست های سخت گیرانه جمهوری اسلامی ایران برای تضعیف سازمان مجاهدین خلق مفید واقع شده بود. نظر حضرتعالی چیست ؟

جواب ۷ - من از سیاست های آقایان اطلاعی ندارم ، ولی در بین مجاهدین خلق هم افرادی هستند که یا فریب خورده اند یا به دلیل برخی برخوردهای تند و خشن از وطن کوچ کرده اند و یا به هر دلیلی از کار با سازمان خسته و پشیمان شده اند که امیدوارم با عفو عمومی به دامن ملت برگردند.

سوال ۸ - بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران نسبت به سال های قبل مشهود است . اما سازمان های حقوق بشر بین المللی از قبیل سازمان عفو بین الملل با انتقاد از وضع حقوق بشر، کماکان خواهان بهبود حقوق بشر در ایران هستند. حضرتعالی وضعیت حال حاضر حقوق بشر در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ اگر مشکلاتی در این زمینه هست چگونه باید رفع شود؟

جواب ۸ - این که وضعیت حقوق بشر در حال حاضر بهتر از گذشته شده است مطلب واضحی است . اما حتی آنها که آن اعمال را انجام می‌دادند و امروز هم به همان کارها اعتقاد دارند سعی می‌کنند از دایره قانون وارد شوند و کارشان را قانونی جلوه دهند و مهم تر این که اکثر کارهای آنها از دید مردم و رسانه ها کمتر مخفی می‌شود و مجبور به پاسخ گویی می‌شوند. این خود زمینه مناسبی است . اما متأسفانه هنوز عده ای چون حجة الاسلام والمسلمین آقای هادی قابل و برخی از دانشجویان به جرم اظهارنظرهای انتقادی در زندان هستند. برخی ها که حتی سال ها قبل بازداشت شده اند با وثیقه های سنگین آزادند ولی تکلیف آنها روشن نمی شود و بلا تکلیف هستند. برخی اموال و اماکن تسخیر و مصادره شده و بازپس داده نشده است . برخی افراد به بهانه های واهی حتی از تحصیل علم یا انتخاب شغل محروم شده اند.

در پایان از خدای بزرگ سربلندی و سرافرازی ملت را خواهانم و امیدوارم شما در انجام رسالت مطبوعاتی خود امانت را رعایت کرده و واقعیات را منعکس نمایید.
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته .

دفتر آیت الله العظمی منتظری
۲۱/۱۱/۱۳۸۷

منبع: سایت آقای منتظری